

آچارکشی

حالت ازدواج و حالت‌های دیگر



پوریا عالمی

● دیروز رفتیم محضر، عقد کردیم، نه، تترسید، غصه نخورید، گریه نکنید، سکنه نکنید. من صحیح و سالم هستم. مضمود برادرم است، بی‌معنی. ما هم از دیروز نگرانیم و هی از برادر می‌پرسیم: آر یو اوکی؟

به نظر ما قهرمان ملی ما رستم و آن وزنه‌بردار ملی و برادر ما هستند. رستم که شاخ غول را جابه‌جا کرد، وزنه‌بردار که خود غول وزنه را جابه‌جا کرد، برادر ما هم که غول اقتصاد را به غوغولی واداشت و مرز شجاعت را جابه‌جا کرد.

درواقع در دوره‌ای که عده‌ای دارند ول می‌کنند برادر ما دارد می‌گیرد که این یعنی دیگران ول داده‌اند، اما برادر گیر داده.

الان پنج به‌علاوه یک کشور، عقلشان را ریخته‌اند روی هم که به نتیجه برسند نشده، بعد دو نفر چطور به نتیجه رسیدند، ما نمی‌دانیم. خلاصه الان علم پیشرفت کرده و همه بیماری‌های صعب‌العلاج درمانش پیدا شده جز عشق. خود عشق هم وقتی حاد شود و سراپای وجود را بگیرد، به آدم حالت ازدواج دست می‌دهد و دکترها در این مرحله قطع امید می‌کنند.

خلاصه آدم می‌ماند در این زمانه واسه تازه‌عروس و داماد ابراز همدردی کند یا خوشحالی یا حیرت.

به‌رحال عروسی مبارکی، خطاب به هرکسی که دل دارد این‌ها و به هوای دلش، دل می‌زند به دریا.

عجایب غراب

افطاری‌های پرخرج

هر افطاری، از ۲۶ هزار تومان تا ۱۳ هزار تومان

● **سعید برآبادی:** از مرتفع‌ترین نقاط تهران تا جنوبی‌ترین خیابان‌های شهر، بازار پهن‌کردن سفره‌های افطاری داغ‌داغ است؛ به‌ویژه اینکه نزدیکی به انتخابات مجلس، نیاز به دیدارهای استراتژیک در پای این سفره‌ها را برترنگ‌تر هم کرده است. اس‌ام‌اس‌ها برای آت‌هایی که می‌توانند روایت این سفره‌ها را به دیگران برسانند، ارسال شده تا هر شب این ماه مبارک، در گوشه‌ای از شهر، افطاری‌هایی با جاشنی سیاست پریا شوند. اما هرکدام از این افطاری‌ها چقدر خرج برمی‌دارد؟ اگر این سفره‌ها در بالای شهر پهن شده باشند، طبیعتا رقصمان بیشتر و سوروستاشن پرزرق‌وبرق‌تر است؛ مثلاً در رستوران یکی از هتل‌های معروف بالای شهر، افطاری و شام، برای هر نفر حدوداً ۱۳۰ هزار تومان آب می‌خورد و اگر شما فقط صد نفر را افطار بدهید، عددی که باید پرداخت کنید، نزدیک به ۱۳ میلیون تومان می‌شود. این هتل در هفته گذشته، یک میهمانی بزرگ افطار برای یک شرکت خاص برگزار کرده با بیش از ۵۰۰ میهمان، بنابراین می‌شود گفت که این شرکت، برای یک نوع سبک با آشن در پاین شهر، نزدیک به ۶۵ میلیون تومان برای تنها ۵۰۰ میهمان هزینه کرده است!

در جنوب شهر وضع اندکی بهتر است، اگرچه فهرست چیدنی‌های سفره افطار، چندان فرقی با بالای شهر نمی‌کند؛ چای، نان، پنیر، سبزی، خرم، زولبیا و بامیه و یک نوع سبک با آشن در پاین شهر تقریباً هشت‌هزار تومان خرج می‌دارد؛ مثلاً در یکی از رستوران‌های مهم خیابان کارگر جنوبی، می‌شود با ۲۰ هزار تومان به میهمان‌ها، افطاری و شام بدهید؛ هشت هزار تومان برای افطاری و ۱۲ هزار تومان برای یک پرس کوبیده یا جوجه. تخفیف این رستوران‌ها به‌خاطر شلوغی بیش‌ازحد ماه رمضان، دوجندان هم شده چراکه بخش عمده‌ای از آنها، تنها همین ماه را فرصت دارند تا درآمدی به دست آورند. باغ‌ها هم وارد کارزار افطاری‌دادن شده‌اند. اگرچه تا چندسال پیش مد نبود که کسی در باغ مراسم افطاری بگیرد، اما حالا سفره‌های رنگارنگ در باغ‌های شمال تهران هم برپاست. اگر بخوانید در یک باغ متوسط در شهران میهمانی افطار برگزار کنید، باید برای هر نفر ۲۶ هزار تومان در نظر بگیرید؛ منو افطار همان است که در بالا آمده و غذا هم می‌تواند جوجه باشد یا کوبیده. دراین‌میان باغ‌هایی که تازه وارد ماجرای افطاری‌دادن شده‌اند، تخفیف ویژه برای میهمانی‌های بالای صد نفر قائل می‌شوند وگرنه قیمت‌ها تا ۳۰ هزار تومان شروع می‌شود.

رستوران‌های مارک و برند اما قیمت خاص خودشان را دارند؛ یکی از این رستوران‌های مشهور، برای بسته افطاری‌اش ۱۲ هزارتومان می‌گیرد اگرچه نه سوپ و سالاد دارد و نه دسر که اینها را باید جداگانه بخرد؛ غذاهای پرسی را از رستوران هم از ۵۰ هزار تومان شروع می‌شود بنابراین با یک حساب سرانگشتی افطاری و شام هرنفر نزدیک به صد هزارتومان خرج برمی‌دارد البته اگر از یک هفته زودتر، جا رزرو کرده باشید.

از این دست رستوران‌های مشهور در خیابان‌های پاین شهر هم هست که می‌توان در آنها با ۵۰ هزار تومان یک افطاری قابل‌توجه داد که دیس کباب سرآشپز خوشمزه و معروفی دارند. این رستوران‌ها اما آن‌قدر در ماه مبارک رمضان شلوغ می‌شوند که چندروزی قبل از شروع ماه باید برای یک میهمانی صدنفره در آن، جا رزرو کرد.

شترخوار

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه ۱۱ تیر ۱۳۹۴ • ۱۵ رمضان ۱۴۳۶ • ۲۰ جولای ۲۰۱۵ • سال دوازدهم • شماره ۲۳۳۹ • ۲۰ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۳:۰۸ • اذان مغرب ۲۰:۴۵ • اذان صبح فردا ۴:۰۷ • طلوع آفتاب ۵:۵۳

روزنفرها

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

علی جهانشاهی



پسرای عمو صحرا

۸۰ سال جمعه‌بودن و دلگیر نبودن

آزاده تاج‌علی

شن‌های مرجانی در آفتاب جزیره مثل پولک شده‌اند. مرغان دریا، دورترک، روی صخره‌های جلبک‌بسته، چرت می‌زنند و موج‌ها با خود گوش‌ماهی‌های صورتی می‌آورند. اینجا کیش است. محله عرب‌ها؛ کوچه‌ها باریک سیمانی و درهای خانه‌ها چوبی و بسیار خراش‌خورده. اینجا روی درها برای سلام و خداحافظی با رفقای دشداده‌پوش واژه‌های عربی می‌نویسند و کنار دریا، گیاه‌های گرمادوست، تا دیوار خانه همسایه پیشروی می‌کنند. پشت یکی از درهای خراش‌خورده «جمعه» نشسته است. با جامه‌ای سپید و دستاری عربی، او غواص قدیمی جزیره است. ۸۰ سال سن دارد و پاهایش درد می‌کند. خودش می‌گوید: ۳۰ ساله که بودم، ماهیگیری را یاد گرفتم. بعد از ۱۰

سال اما فکر کردم یک جای کار از بقیه جاشوها عقب هستم و باید غواصی یاد بگیرم. رقتم و طولی نکشید که از پیرمردهای جزیره همه فن‌های غواصی را یاد گرفتم. آن زمان نه لباس مخصوص بود، نه از این عینک‌های جدید. یک گیره لباس از روی طناب رخت برمی‌داشتم و راهی دریا می‌شدم. وقتی می‌رسیدم، گیره لباس را به بینیم می‌زدم تا آب به سرم نرود و بعدش نفس می‌گرفتم و می‌پریدم. آن‌وقت‌ها برای رفتن به جاهای غواصی، قایق موتوری هنوز به کیش نیامده بود و راحت هم بودیم؛ نصف‌شب‌ها ساعت سه که می‌شد، می‌رفتیم و تا سه بعدازظهر یک‌سره غواصی و ماهیگیری می‌کردیم.

او ادامه می‌دهد: «غواص‌های قدیمی کیسول هم نداشتند و با نفس‌گیری کارشان راه می‌افتاد. من هم می‌توانستم یک دقیقه نفس نکشم و زیر آب بمانم. هرروز می‌رفتم به عمق ۱۰ متری دریا و آن‌قدر از این یک دقیقه‌ها غواصی می‌کردم که بعدازظهرها با ۲۰ سید صدف و محار به ساحل برمی‌گشتم.

آن‌موقع که من غواص بودم، صید مروارید آزاد بود. هرروز بعدازظهر وقتی گیره لباس را از بینی‌مان برمی‌داشتیم و از خستگی می‌افتادیم کف قایق، ناخدا می‌آمد و شمارش می‌کرد تا بداند چقدر از صدف‌ها، مروارید کیش می‌آید. یادم می‌آید در قدیم که دریا تا بقالی ابوخالد بود، مروارید آن‌قدر ارزان بود که ارزشی نداشت و مردم زیاد رغبت

در میان گروه‌های سنی جامعه انسانی، کودکان وابسته به گروه سنی بزرگسالان هستند. این وابستگی از مرحله ناتوانی کامل (نوزادی) شروع می‌شود و در هر دوره سنی از شدت این وابستگی کم می‌شود تا اینکه خود کودکان نیز به مرحله نوجوانی و بزرگسالی برسند. در دوره چندهزارساله‌ای که انسان از مرزهای بیولوژیکی گذشته و به مرحله اجتماع و تمدن‌سازی رسیده است، سده بیستم و اکنون بیست‌ویکم، متمایزترین دوره برای زندگی کودکان بوده است. هرچه جامعه از روایت‌های مردسالارانه فاصله می‌گیرد، همراه با توانمندی جامعه زنان، کودکان نیز از موقعیت بهتری برخوردار می‌شوند. این وضعیت در کشورهای پیشرفته چنان بود که از ابتدای سده بیستم همواره به این نکته تأکید می‌شد که این سده، سده کودکی است. ریشه این نام‌گذاری به کوشش‌های کوشنده‌ای توانا در سوئد برمی‌گردد. در سال ۱۹۰۴ باتوی نویسنده و آموزشگر و کوشنده حقوق زنان و کودکان، ال‌کنی Ellen Key کتابی به نام سده کودکی نوشت که در آن ویژگی‌های سده پیش‌رو



محمد‌هادی محمدی

را برای کودکان پیش‌بینی کرد. یکی از ویژگی‌هایی که در این دوره روی آن انگشت گذاشته شد، شنیدن صدای کودکان بود. تا پیش از این جامعه‌ه دیگر پدیده‌ای بود که جامعه‌شناسان به آن قدرت نامتوازن power imbalance می‌گویند. هنگامی که بخشی از جامعه قدرت بیشتری دارد، صداهای گروه‌های دیگر را نمی‌شنود یا نمی‌خواهد بشنود. روند مبارزه برای دستیابی به برابری‌ها و در اینجا سنی (کودکان)، روشن‌کننده فرایند از قدرت نامتوازن به‌سوی قدرت متوازن است. اکنون در بسیاری از کشورها، قدرت کودکان به لطف کوشش‌های زنان به چنان درجه‌ای رسیده است، که در برنامه‌ریزی‌های اجتماعی و فرهنگی نگاه از آنها آغاز می‌شود و به گروه‌های سنی دیگر می‌رسد. از این فرایند بیشتر از یک سده می‌گذرد، اما انگار در برخی کشورها قرار نیست سده کودکی از راه برسد و باید به فراتر از سده کودکی اندیشید. علت آن هم این است که در جوامعی مانند جامعه ما، هنوز به کودک به‌عنوان بزرگسال نارس نگاه می‌شود، درست مانند میوه نارس که کال است و شیرین و آبدار و در اینجا مغزدار نشده است. تمام نظام برنامه‌ریزی ما، چه در سطح دولتی و چه در سطح ملی بزرگسال‌محور است. برنامه کودک در تلویزیون داریم، اما کودکان تنها تماشاچیان واکنش‌پذیر یا منفعل آن هستند. فرهنگ‌سرای کودک درست کردیم، اما

اتفاق فردا

فقر در کمین زنان

زهرا کریمی

این‌روزها اخباری درباره زنانه‌شدن فقر به گوش می‌رسد؛ اخباری که می‌گوید تعداد زنان سرپرست خانوار افزایش یافته است. براساس آمار مرکز ایران، در حال حاضر ۱۲ درصد از خانوارهای ایرانی زن سرپرست هستند، یعنی یک‌میلیون و ۶۰۰ هزار زن در ایران سرپرست خانوار هستند که بخش بزرگی از آنها از نظر شرایط معیشتی در وضعیت خوبی به‌سر نمی‌برند. در حالی که بسیاری از زنان در خانوارهای بدسرپرست در سرشماری‌های رسمی به‌خاطر تابوهای فرهنگی و اجتماعی، خودشان را سرپرست خانواده اعلام نمی‌کنند زیرا زنی که شوهر زندانی یا معتاد دارد، ممکن است سکوت کند و همچنان شوهر را سرپرست خانواده عنوان کند. درحالی‌که عملاً خود بار خانواده را به دوش می‌کشد. به‌همین‌دلیل باید تعداد زنان سرپرست خانوار که معمولاً درآمد پایین‌تری هم نسبت به مردان دارند را بیشتر از آمار اعلام‌شده رسمی دانست. با وجود اینکه می‌توان از زنانه‌شدن فقر صحبت کرد اما نباید تصور کرد مردان جامعه نیز از نظر وضعیت کار و معیشت شرایط ممتازی دارند. اما چون زنان نسبت به مردان آسیب‌پذیرتر هستند و بازار کار عموماً مردانه است، فقر زنان می‌تواند آسیب‌های اجتماعی زیادی مانند فحشا، اعتیاد زنان، کارتن‌خوابی آنها یا در مورد دختران مجرد ازدست‌دادن شرایط ازدواج را رقم بزند. در حال حاضر نرخ بیکاری زنان دو برابر مردان است. از طرف دیگر تا زمانی که زنان در جست‌وجوی کار باشند، بیکار محسوب می‌شوند اما زمانی که امید به پیدا کردن کار را از دست می‌دهند، غیرفعال به‌حساب می‌آیند و در آمار بیکاران محاسبه نمی‌شوند. در جامعه ما، هم در بخش دولتی و هم خصوصی عموماً نگاهی تبعیض‌آمیز نسبت به اشتغال خانم‌ها وجود دارد. در شرایطی که ایجاد فرصت‌های شغلی جدید بسیار سخت است، دولت خواسته یا ناخواسته مردان را در اولویت اشتغال قرار می‌دهد. بخش خصوصی هم به دلایلی مانند ازدست‌دادن نیروی کار زن در زمان بارداری و زایمان، نیروی مرد را بر نیروی زن برای مشاغل مهم و پایدار ترجیح می‌دهد و تنها زنان را در شغل‌های کوتاه‌مدت و با دستمزدهای بسیار پایین جذب می‌کند. به‌علاوه نگاه به بسیاری از مشاغل، مردانه است و تلقی از مشاغلی مانند رانندگی، ساخت‌وساز، جنگل‌داری، معدنکاری و... این است که برای زنان مناسب نیستند و به‌همین‌دلیل امکان پیدا کردن شغل برای زنان کمتر از مردان است. البته این قاعده مربوط به کشور ما نیست و می‌توان گفت مردان در شرایط برابر با زنان در تمام جهان زودتر استخدام و دیرتر اخراج می‌شوند. باز هم لازم به تأکید است که در شرایط رکود و کساد اقتصادی، وضعیت اشتغال برای هر دو جنس نامساعد است، اما زنان بیشتر از این رکود آسیب می‌پذیرند. بنابراین شرط لازم برای نجات زنان از فقر، بهبود وضعیت اقتصادی است. برای ازبین‌رفتن فقر اولاً اقتصاد باید پویا باشد. در اقتصادی که دچار بحران است، همه دچار بحران هستند اگرچه زنان در چنین شرایطی آسیب بیشتری می‌بینند. به‌همین‌دلیل در قدم اول باید با ایجاد ثبات و رونق اقتصادی به کمک وضعیت شغلی و معیشتی زنان رفت. اما این شرط لازم است و شرط کافی بهبود این وضعیت، تغییر نگرش جامعه نسبت به اشتغال زنان است. باید این نگرش که اولویت کار کردن با مردان است، تغییر کند. البته در این زمینه، نقش سازمان‌های غیردولتی نیز بسیار حائز اهمیت است؛ توانمندسازی زنان توسط این نهادها کاهش آسیب‌های اجتماعی، که زنان را تهدید می‌کند، به‌دنبال دارد.

«**مشاور وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی**

مذاکرات

نرسیسیانس یک پژوهش را بررسی کرد

مردم فقط انرژی هسته‌ای می‌خواهند

مشکلات دیگران را می‌بینند و سپس متوجه می‌شوند آن مشکل یا مسئله، مشکل و مسئله خودشان هم هست. در مواقع دیگر مردم از طریق رسانه‌ها متوجه مسائل می‌شوند و آنها را مسائل خودشان می‌دانند. در این شیوه به این دلیل که رسانه‌ها معمولاً جریانی از بالا به پایین دارند، سیاستمداران و دیگر چهره‌های تأثیرگذار می‌توانند در تعیین مسائل و مشکلات مردم مؤثر باشند. شیوه دیگری که جریانی از پایین به بالا دارد، تأثیرپذیری از طریق چهره‌به‌چهره و گفت‌وگوی بین‌فردی است. در اصول مدیریت گفته می‌شود هر آدمی می‌تواند ذهن پنج آدم دیگر را پر کند. به همین دلیل ممکن است ذهنیت مردم از طریق گفت‌وگو با دوست و آشنا نیز به وجود آمده باشد. درباره مسئله هسته‌ای یا هر موضوع دیگری ممکن است یکی یا همه این عوامل دست‌به‌دست هم دهد و نظر مردم را شکل دهد.

بخش دیگری از این نظرسنجی مربوط به مسائل سیاسی از جمله ایجاد رابطه با ایالات‌متحده آمریکا و دیدگاه ایرانی‌ها درباره کشورهای گروه ۵+۱ می‌شود. براساس این نظرسنجی «دیدگاه‌ها درباره دولت آمریکا همچنان منفی است. با این حال اکثریت مردم دیدی مثبت نسبت به مردم آمریکا دارند». همچنین «موسوم مردم می‌گویند که به کشورهای ۵+۱ اعتماد ندارند. البته میزان این اعتماد در مقایسه با پاییز ۲۰۱۴ افزایش یافته است». نرسیسیانس درباره این نتایج می‌گوید: «این نتایج به‌طورکلی نشان‌دهنده بالارفتن آگاهی سیاسی مردم است. با این وجود از نظر من عدم تمایل به دولت آمریکا در برابر تمایل به مردم کشور نوعی فراقتی است؛ چون مردم ایران دوست دارند درباره خودشان هم همین‌طور باشد و مردم کشورهای دیگر فارغ از اینکه چه دولتی سر کار است درباره مردم ایران قضاوت کنند. البته درمورد نظر مثبت یا منفی درباره کشورها باید یک نکته را مدنظر داشت و آن روابط فرهنگی است که خارج از چارچوب‌های مرزهای سیاسی بین کشورها وجود دارد. مردم ایران از طریق برخی کالاها مثل انواع خوراکی‌ها یا حتی سینمای آمریکا با فرهنگ و مردم این کشور بیشتر آشنا هستند و نسبت به آنها احساس بهتری دارند. اما این موضوع درباره کشورهای اروپایی صادق نیست. به همین دلیل شاید با سیاستمداران ۵+۱ همدلی ندارند. مردم بیشتر این کشورها را از طریق آنچه در اخبار و در ارتباط با موضوع هسته‌ای می‌شنوند، می‌شناسند و این بی‌اعتمادی می‌تواند بی‌دلیل نباشد.»

مذاکرات ایران و شش قدرت جهانی تیرماه به پایان خواهد رسید. تعجب‌آور نیست که با برداشته‌شدن تحریم‌ها و برقراری مجدد ارتباطات بین کشورهایی مختلف دنیا، نظرها تغییر کند و سنجش‌های جدیدی در این زمینه لازم باشد.

پیشنهاد

● مؤسسه پرسش در ادامه برنامه‌های خود برای بزرگداشت هفته جهانی محیط‌زیست و نیز در ادامه سمینارهای آزاد خود عنوان «پنج‌شنبه‌های پرسش»، روز پنجشنبه ۱۱ تیر، ساعت ۱۷:۳۰ سمیناری با عنوان «سرمایه‌داری، سلطه، محیط‌زیست» برگزار می‌کند. مراد فرهادپور، جواد گنجی و نیما عیسی‌پور در این سمینار به‌ترتیب با موضوعات «لکار در کاهی‌ایم ایدئولوژی»، «شهرنشینی و اکولوژی زافه‌نشینی» و «بت‌وارگی طبیعت» به سخنرانی خواهند پرداخت. علاقه‌مندان برای کسب اطلاعات بیشتر می‌توانند با روابط‌عمومی مؤسسه پرسش به شماره ۸۸۸۲۳۷۶۴۷-۸۸۸۲۳۷۶۴ تماس گرفته یا به وب‌سایت سخنرانی می‌کنند.

● اولین جلسه «ماه عدل»، با موضوع طردشدگان اجتماع در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، روزهای دوشنبه برگزار می‌شود. روز دوشنبه ۱۵ تیر از ساعت ۱۸:۳۰ افطار نیز سارا شریعتی، استاد دانشکده جامعه‌شناسی، اکبر رجبی، مؤسس سمن طلوع بی‌شان‌ها و یاسر باقری، پژوهشگر حوزه رفاه و سیاست‌گذاری اجتماعی در این‌باره سخنرانی می‌کنند.